وظیفه

روزنامه وظیفه روز های شنبه شماره مخصوص در چهار صفحه منتشر و مطالب آن منحصر درمسائل اخلاقی واجتماعی اسلام است . این شماره تحت نظر آقای خالصی زاده وبمراقبت دفتر نشریات دینی تنظیم میشود

صاحب امتیاز - سید محمدباقر حجازی
عنوان تلگرافی : نامه وظیفه
جای اداره — خیابان ناصر خسرو
تلفن: ۸۹۵۵

سال اول — شنبه ۱۶ تیر ماه ۱۲۲۴ مطابق ۲۶ رجب ۱۳۶۴ — شماره ۱۰۷

بقیه از صفحه ۳

عبادات در اسلام

عبادات اسلامی ، بر اقسام مختلفه تقسیم میشود و هر یك اسرار متعدد وحکمتهای بیشمار دارد چگونه میتوان دراین منشور مختصر بتفصیل اینها را ذکر نمود ناچاریم باختصار کوشش نمائیم وبگوئیم عبادات مخصوصا نماز که اهم عبادات می باشد حافظ ، نظام عقلی و اجتماعی و فردی انسان و مجری بسیار موثری برای تمام احکام اسلامی است درعین زمانیکه انسان بواسطه عبادت در ملکوت اعلاسیر و تفکر ونفس و روح خودرا تصفیه وتزکیه می کند مجبور است پاك وپاکیزه دربدن ولباس ومتجنب از غصب در مسکن ومأکل و از آلودگی به نجاسات و از منع زکوة و حقوق الهی و بالجمله باید مجری تمام احکام اسلامی باشد والا نماز او صحیح نیست باین جهت نماز را نهی کنند از فحشاء ومنکر در قرآن نامیده واسم نظام اتم براو گذاشته شده

قانون مساوات عمومی و عدالت در اسلام

هیچ ملت ودینی مانند اسلام اصرار برمساوات ، بین افراد بشر بدون فرق نژاد ومذهب نکرده ، بایهود ونصاری ومجوس ، حتی بامشرکین توصیه فرموده که کمال مهربانی و عدالت جاری شود و آیات قرآن واحادیث در اجرای عدالت و مساوات کامل بسیاراست ومنظور شارع حسن معاشرت تمام افراد وطبقات بایکدیگر است که محبت والفت مستحکم وحقوق وحدود هریك محفوظ گردد.

اجمالا شمه‌ای از تعالیم اسلامی رادر این جا ذکر کردیم برای اینکه مجال تفسیر واستشهاد بآیات واخبار وذکر آنهادر این منشور مختصر نیست اگر خداوند متعال توفیق دهد در آتیه هریك ازاین موضوعات وموضوعات دیگر را شرح وبسط خواهیم داد برای تکمیل فایده خوب است نظری به مسلمین و مخصوصا بایرانیان معطوف کنیم و به بینیم کدامیك از تعالیم اسلامی را جاری نمودند و برای چه خوار وذلیل شدند وراه سعادت وخلاصی ازاین گرفتاری ها وفقر ومذلت چیست ؟

نظری بحال مسلمین

جای حیرت و تاسف است با اینکه بزرگترین تعالیم الهی و صالح ترین قوانین که تامین سعادت بشررامی نماید میان بشر بلطف الهی وجود دارد بشر از آن استفاده نکرده و برای پیدا کردن قوانین صالحه اجتماعی این در و آن در

در منشور روز شنبه ۲۶

مانند شب پره ای که نور آفتاب را نمی تواند ببیند و در تاریکی و ظلمات گردش می کند — اگر بگوئیم تعالیم اسلامی اینها است و اصلاح بشر بایت تمام منحصر است قبل از اینکه در حکمت و فلسفه و فوائد و مصالح این قوانین تجسس کنند جواب می دهند نمی توان بقهقرا برگشت دنیای امروز این قوانین رانمی پسندد ناچاریم بطبق قوانین موضوعه رفتار کرده و بتوسط آنها جامعه را اداره کنیم — چقدر بعرف واهی و بی مغزوبی اساس است !

اگر اکثریت دنیا بخود کشی عادت کند آیا موجب خواهد شد که خود کشی را عمل صالح دانسته و بآن مبادرت نمائیم ؟

اگر همه اهل عالم امر بتوسط زهر خود را هلاك کنند آیا زهر داروی مفید بوده و باید جز و داروهای مفید قرارداد ؟

بخدا سوگند این قوانین موضوعه برای بشر ازخودکشی و نوشیدن زهر مضر تر و مهلك تر است ، ولد جنك عالمسوز اولی و دومی که تاکنون جریان دارد و موجب جنك شدید تر و سخت تر،جز این قوانین موضوعه چیست ؟

با اینکه می بینیم این قوانین برای اداره عالم کافی نیست و بجز فساد و بدبختی و اضمحلال بشر فایده ای ندارد جای تعجب است که بعضی از ایرانیان برای سر پیچی از این قوانین می گویند نباید به قوانین اسلام عمل کرد زیرا نمیتوان به قهقرا برگشت

راه مستقیم الهی را قهقرا می پندارند و راه کج و معوج پرپیچ و خم حقوق موضوعه را راه مستقیم تصور می کنند

بهانه اینها حب تجدد و نفرت از قهقرا است و ما معلوم کردیم که دین اسلام عین تجدد است و با دنیا تا انقراض آن سیر کرده

وباعلم دوش بدوش مدارج ترقی را می پیماید — کسانیکه از دین اسلام سر پیچی نمودند علما و عملا بشر را به منتهی بدبختی و گرفتاری دچار کردند طبقات مخالف می باشند که به بعضی آنهابرای احتراز از شروریکه بر بشروارد نمودند اشاره می کنیم .

۱- علمای حکمت و فلسفه و کلام

بعضی متدینین بدین اسلام که لباس پیشوایان علمی هم دارند دروسی برای فلسفه و حکمت و کلام بر طبق آراء اشراقیین و مشائین یونان و اوهام و خرافات معتزله واشعره القاء می نمایند و خیال می کنند که این دروس جز دین وعلوم دینیه است .

غافل از اینکه حقایق توحیدی و الهیات قرآن و شریعت اسلام اعلاواجل است از اینکه باین گونه اوهام و خرافات آلوده شود

قرآن و اسلام برای تایید حرف سقراط و افلاطون وارسطوو ابوالحسن اشعری و ابن عطا و خرافات اشاعره ومعتزله نیامده است

قرآن درفلسفه و الهیات مستقل است وحقایق آن باوهام آنان ارتباط ندارد بر علمای دین واجب است که دهن اینگونه متفلسفین را بدوزند و اگر مجالی برای مباحث فلسفی و کلامی بدهند فقط از نقطه نظر اظهار بطلان اینها باید وارد درس و تدریس بشود .

۲- فقها

فقهای کرام فقه می خوانند و نقصی که دارند این است که قوانین موضوعه را ندانسته ومابین فقه و قوانین موضوعه را مقایسه نمی کنند تا بدانند درچه کمال فقه تا چه اندازه و درکات حقوق موضوعه تا چه حد است .

بر فقها لازم است که حکمتهای احکام فقهی را تحقیق و تدقیق وحقوق موضوعه را خوانده و بافقه مقایسه نمایند تامجالی برای اشخاص لامذهب و بیدین جاهل بنام دکتر ندهند که بگوید فقه ناقص است در صورتی که چیزی از فقه ندانسته وبهره‌ای از علم ندارد .

۳- خرافیون عوام

عده‌ای از عوام بر ضددین اسلام در عقاید رفتار می کنندو بخرافات مجوس و یهود و نصاری که جداً اسلام از آن جلوگیری نموده و بتوحید خالص امر کرده قائل می شوند .

هر سنك ودرخت و هر قبری را موثر دروجود و رزق دهنده و شفادهنده واولاد دهنده می پندارند و اگر آنها را متوجه این امر کردیم می گویند عقاید وهابیه را می‌خواهند تحمیل کنند در صورتیکه اصول شیعه بر توحید خالص مبتنی است واولین حکم قرآن کریم خلوص توحید از شائبه هرنحواز انحاء شرك است

مثلا از لنگر و دمی نوبسند آخوند بیسوادی که منشور نور را خوانده ومنع ازدعای فرج یامحمد یاعلی مشاهده کرده فریادمیزند ان ها عقاید وهابیه است و ندانسته که این دعا بخواب استناد دارد و نباید خواب را دلیل عبادت قراردهند مخصوصا که ان دعا بوی شرك میدهد

خوشبختانه علمای مراجع تقلید دامت برکاتهم متوجه این نکته هستند و در رساله های عملیه خود نوشته‌اند که طلب حوائج از غیر خدا ولو از حضرت پیغمبرو ائمه معصومین منافی دین اسلام است چون در این خصوص منازعاتی زیاد شده برای روشن کردن افکار مسلمین رساله منهج الرشاد مرحوم شیخ جعفر شوشتری که بامضای آقای حاج آقاحسین بروجردی که ازبزرگترین مراجع تقلید می‌باشند رسیده وتدریجا در منشور نور منتشر خواهم کرد

عوام برای اینکه آشنا بحقایق اسلام نیستند بخرافات فال و فال بین وتطیر از هر چیز و تاثیر سعد ونحس ستاره ها بدون شعور قائل هستند و تمام اینها برخلاف دین اسلام است است مگرچیزیکه دراخبار صحیحه وارد شده باشد .

عدم مراعات حفظ الصحه مخصوصا در آبهای تهران

مسلمانان کاملا بر خلاف اصول اسلامی و احکام آن مخصوصا در قسمت مراعات حفظ‌الصحه عمل می کنند شب دیر می خوابند و روز دیر برمی‌خیزند درصورتیکه امر شده زود بخوابند و زود بر خیزند بعد از طلوع آفتاب از خواب برمی خیزند واز استنشاق هوای آغر شب و بین الطلوعین محروم می مانند اسراف در غذا می کنند اثاث و تجملات خانه را زیاد می‌نمایند که مولد انواع امراض است .

به سادگی معیشت قناعت ندارند خمر میخورند موجبات انتشار سیفلیس و سوزاك و سایر امراض مقاربتی را فراهم میآورند روزه و حجامت را که برای تصفیه خون طبا لازم و مامور به شرع است ترك می کنند ریاضات بدنی را بتوسط عبادات مقرره اجرانمی نمایند در قضاء حاجت رعایت اصول شرعیه را که برای حفظ معده وامعاء سایر عضلات داخلی لازم است رعایت نمی کنند استحمام گم می کنند واگر هم می کنند آبی که در شرع بآن امر شده و بنهایت پاکیزگی باید باشد و درقرآن کریم طهور نامیده شد استعمال نمی نمایند جای شگفت است کسانیکه به احکام شرعیه علاقمند هستند اصرار بر وضع خرابه ها در حمام که از اثار مجوس در ایران باقی مانده وکاملا بر خلاف شرع است می نمایند

و از شستن بدن در زیر دوش اجتناب می کنند در صورتیکه حضرت صادق در اخبار عدیده بر طبق آیات قرآنیه از استحمام در آبهائی که دیگران در آن غسل می کنند اکیدا منع فرموده و بر طبق قواعد فقهی و احکام شرعیه آب تنی در خزینه اگر احتمال ضرر سرایت مرض در آن داده نمیشود مکروه و اگر احتمال ضرر و سرایت مرض در آن داده می شود حرام وغسل باطل است

از همه مهمتر و جالب تر این است که اگر کسی بوضع تهران وجوی ها و آب های آن نگاه کند و از احکام اسلام با خبر نباشد یقین می کند که این شهر شهر اسلامی نیست .

زیرا که وضع آبها و جوی های تهران کاملا برخلاف تعالیم اسلام است و اگر از احکام اسلام بی خبر باشد به مجرد مشاهده وضع این جوی ها کاملا از اسلام و اسلامیت منزجر شده و هیچ قیمتی حاضر به تفکر در دین اسلام نخواهد بود زیرا خیال می کند دین اسلام ایجاد این کثافت و تعفن بلکه نجاست و رجس را کرده‌است .

جوی های پر از آب سیاه متعفن که در او انواع لباس های آلوده به کثافت و نجاسات و امراض شستشو میشود آب دهن آب دماغ و مدفوعات و قازورات در آن میریزند .

کلاغ مرده و سك و موش مرده در درون آن خود نمائی می کند علاوه بر آنکه خود جوی در مدتی که آب ندارد پراز کثافت شده و موقعی که درآن آب جریان یافت آن کثافات را با خود حمل کرده و بخانه ها برای شست و شوی داخل می کند . آیا این وضع موافق دین اسلام است ؟

دین اسلام که اکیدا و شدیدا بر نظافت و پاکیزگی اصرار و از استعمال آبی که اندك تغییری کند یا بواسطه آفتاب اندك گرم میشودومعرض چرائیم هوا میگردد منع کرده .

عجب از اشخاصی که ادعای مسلمانی می کنند و قازورات در این جویهای خصوصی ریخته و انواع کثافات را در آنجا شستشو می کنند و عجب تر آن که اشخاصی که مشاهده این امررا کرده و باآنکه نهی ازمنکر واجب است آنرا نهی نمی کنند و ازهردو عجیب تر شهرداری و هیئت دولت و مجامع طبی است که در طهران تشکیل شده و هیچکدام باین امر ضروری حیاتی شرعی و واجب اسلامی رسیدگی نمی کند چه میشد اگر وزارت دادگستری را یك طبقه کمتر می ساختند و لوله کشی طهران راشروع می کردند و اگر کفاف نمی داد وزارت دادگستری و دارائی و باشگاههای رقص افسران وعمارتهای گوناگونی که درطهران بنحوتبذیر واسراف بناشده که همه مضرمملکت ایران هستند ترك میشد تا لوله کشی تهران صورت گیرد .

مجامع طبی وصحی در تهران مریضخانه هارا زیاد می کنند بااین وضع طهران مریضخانه‌ها چه می‌تواند بکند ایك مریض را معالجه می کنند ولی بواسطه آب این جوی هاصدها مریض یکدفعه بمریضخانه بجای آن وارد میشود ، چه می شد اگر آبهای طهران راتصفیه ولوله کشی می کردند تا این امراض بخودی خود مرتفع شود چه ضرر داشت اگر شهرداری تاسیس شرکت یا قرضه برای لوله کشی طهران بنماید .

چون سخن زیاد وورق کم است وگوش شنوا نمی باشد پروردگارا مردم رابدین اسلام آشنا کن وآن‌هارا موفق دار که بدین اسلام عمل نمایند و خودرا به هلاکت ابدی نیاندازند .

سایر شئون اسلامی در ایران

تمام شئون اسلامی درتهران ، کسب و تجارت ، طرز معاشرت ، اخلاق ، کردار ورفتار نسبت به‌یکدیگر ، بازاروخیابان ، منبر ومحراب ، مسجدوموسسات دینی ، مدارس دینیه و تدریس ، امور اداری ، قشون ، مالیه و اقتصاد ، احزاب و مجامع همه‌بدون استثناء برخلاف مقررات واحکام اسلام است و راجع بهر یك می خواستم عنوان مستقل و توضیحات کافی بدهم ولکن این منشور گنجایش ندارد فقط مختصرا بدوامر اشاره می کنم وشاید در منشورات آتیه انشاءالله برای شئون دیگر عناوین مستقلی ذکر کنم .

۱ - احزاب

بااینکه امور اقتصادی و مالی و سیاسی واداری و حفظ‌الصحه و تربیت و معارف و فرهنك و تمام شئون بشر در دین اسلام حل‌شده چه احتیاج باحزاب و مرامنامه های مختلف در بلاد اسلام است آیا بجز تشتت واختلاف کلمه چه نتیجه‌ای دارد آیا ان اعمال موافق دین اسلام است ؟

۲- دانشکده حقوق ووزارت دادگستری

ازتمام اموری که درایران برضداسلام جریان دارد مضرتر ومهلك تر دانشکده حقوق بوضع فعلی ووضع قضاوت کنونی ایران است .

چونکه اینها کاملا مولد جهل وظلم است دکترها واستادان حقوق ازفقه بی اطلاع و قضات غیرعادل هستند ، منظور منشور نور مبارزه باخرافات و جهل و ستم وترویج علم و عدل است .

قوانین جاریه درامور قضائی قوانینی است که رضاخان بشهوات دردوره خود مقررداشته وبرخلاف دین اسلام است تا تمام آن قوانین لغو نشده و قوانین عادله برطبق اصول محکمه اسلام وضع نگردد واشخاص متقی برای قضاوت انتخاب نشوند ایران امنیت پیدا نمی‌کند و اصلاح او محال است .

اما دانشکده حقوق ، بین معلمین آنهااشخاصی هستند که جهل مرکب دارند وبجز ازدیانت مجوس مانند پور داود اطلاع دیگری ندارند یافقط از بعض کلمات مبتذله بعض حقوقین فرنك اطلاع داشته وازفقه اسلامی کلیتا بیخبرند .

باین سبب باکمال جرات ووقاحت دردروس مبتذله و حتی در موافات ناقصه که تالیف نمودند تصریح کردند که فقه اسلام ناقص است و ایران را به‌سوی جهل و دانش جویان رابه‌ضلالت و گمراهی سوق نمودند وآنهارااز دین اسلام بدون فکرخارج کردند تااصلاح این دانشکده نشود جهل مرکب در ایران بوده و علم رواج پیدا نخواهد کرد .

وطریق اصلاح آن بسیار آسان است ، فقه اسلامی بنحو اکمل باید تدریس شود و تمام نظریات حقوقین فرنك نیز بایدداخل دروس دانشکده باشد ، و مقایسه بین فقه اسلامی ونظریات حقوقی ارزوی اصول بنمایند تامعلوم شود که کمال مطلق فقط درفقه است جهل معلمین استیلا نکند .

در منشورسابق که‌متعرض این مطالب شدم بعضی محصلین [illegible] نمودند ، در این منشور جواب میدهم ومی گویم کسی که بگوید فقه اسلام ناقص منکرشریعت ونبوت خاتم‌الانبیاء شده وارروی جهل به‌این کلمه تفوه کرده ودارای دو صفت مذمومه یعنی جهالت وخارج ازدیانت اسلام شده آیا به‌چنین کسی حق اعتراض ندارم ؟

به کسی که‌هنك شعائراسلام رادر مجلس شورای ملی در ماه رمضان بکند نباید اعتراض کرد ظالمی بالاتر ازاین نیست که‌مرا ملامت کنند که‌چهل کسانی که می گویند فقه اسلامی ناقص است کشف کردم .

چرا باید آنها آزادباشند وازروی جهل هرگونه می‌خواهند بدین اسلام حمله کنند ومن آزاد نباشم که‌از دین اسلام ازروی علم و باحق دفاع کنم .

دین اسلام که‌من فریفته اووازروی حق وعدل بان معتقد هستم دین دلیل و برهان است آنهاادعاکردند که‌فقه اسلامی ناقص است منهم ادعا می کنم که حقوق فرنك مهلك عالم است و کمال ونجات عالم بدون فقه اسلام میسر نخواهدشد مابین ماوانها دلیل و برهان ومنشورهای آتیه اگراندك نقصی توانستند معین کنند منهم مثل آن ما اردین اسلام دست می کشم و اگر صد ها هزار نقص درحقوق فرنك معین کردم خوب است اینها هم‌حق ودلیل را مثابت کنند و باتغییر طرز تدریس و اصلاحی که‌در دانشکده حقوق لازم است بامن موافقت بنمایند .

من‌در علم حقوق ازدکتر های حقوقی که‌هستندمبرز تر وماهر ترم و بحمدالله فقیه هم هستم و کمال ونقص هردورا سنجیده‌ام این تهمت بمن نمی‌چسبد که بگویند بامحصلین طرفیت‌دارم من بامحصلین طرفیت ندارم باجهالتی که‌خودرا عالم‌می‌پندارند یعنی اهل جهل مرکب طرفیت دارم .

من نمی گویم چرا تحصیل می کنند می گویم چرا ناقص تحصیل می کنند باید تحصیل کامل بنمایند اگرمیگویم وزارت عدلیه‌واژگون شودنمی گویم قضاوت نباشد بلکه می گویم باید اصلاح شود کیست که می‌تواند ادعا کند که وزارت عدلیه محتاج اصلاح نیست؟

اگر دکتر های حقوق یا محصلین سخنی دارند باآنها حاضر به مباحثه در هر جائی که معین کنند بوده و حتی حاضرم بدانشکده حقوق برای مباحثه و ابطال حقوق موضوعه پایم مابین من و آنها منشورنور و جرایدی که آنها دارند ممکن است‌واسطه باشدمن‌می‌نویسم آنهانیز نویسند والله‌غالب علی‌امره

فردا روز یکشنبه ۲۷ رجب‌المرجب

که‌مصادف با بعثت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم است در منزل جناب آقای سید مفیث جشنی اقامه میشودو آقای خالصی خطابه ای القاء خواهند کرد از عموم مسلمین برای شرکت در این جشن از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر دعوت میشود .

آدرس — میدان شاه خیابان مشاورالسلطنه کوچه حاجی قاضی منزل آقای سید مفیث

اعلان

اسلام و مهدویت
تالیف
آقای سید محمد باقر حجازی
چند جلدی از آن بیشتر باقی نمانده ودردفتر نشریات دینی بفروش می‌رسد بها ۲۵ ریال

آدرس دفتر نشریات دینی — خیابان ناصر خسرو کوچه دکتر مسعودکاشی ۱۴ تلفن ۷۴۵۳

شرکت چاپخانه تابان

بقیه از صفحه ۲

رفتار کنند وهردو فکر برای حل مشکلات اقتصادی کافی نبوده و مولدجنك عالم سوز میشوند ، این معنی را خدا دانسته و بلطف خود برای حل مشکلات قبل از وقت قوانین اقتصادی محکم و متقن بواسطه اشرف آنبیاء خود فرستاده که با وجود آنها هیچ اشکال اقتصادی و مالی باقی نمی‌ماند خطای امپریالیستها درانحصار و تمرکز ثروت و خطای کمونیستها درلغو مالکیت که مولداشکالات گوناگون هستند هر دو را بیان کرده و طریقه عادل وسط بین اینهارا اختیار نموده که برای هراشکال راه حلی نشان داده که تاروز قیامت کافی است.

اصول تشکیل عائله

چون مبدء تشکیل جامعه بشری از عائله است هرگاه عائله صالح باشد جامعه نیز صالح می‌گردد و هروقت عائله فاسد باشد جامعه نیز فاسد میشود خداوند متعال بلطف خود بواسطه سید پیغمبران قوانینی برای تشکیل عائله نازل کرده که تشکیل عائله بواسطه آن قوانین با کمال نظم و صلاح زن و شوهر و نسل آنان و افراد خویشاوندان و مراعات اصول حفظ‌الصحه تمام افراد و اخلاق فاضله و حسن معاشرت ارزوی امانت و صداقت و مهربانی و محبت و حقوق متبادله مابین زن و شوهر مستحکم می گردد .

بزن مقام ارجمندی داده که هیچ ملتی تا بحال و تا انقراض عالم این‌مقام را برای زن حفظ نکرده و نخواهد کرد - درحقوق متبادله اورا مساوی مردقرار داده که فرمود «ولهن مثل‌الذی علیهن» .

کار های طبیعی و نسلی زن را آنقدر اهمیت داده که زن را از هر کار دیگری معاف نموده چونکه طبعا مهمترین کار ها را دارا است

بواسطه اشتغال او به مهمترین کارها یعنی پرورش جنین و تربیت طفل نفقه او را بر مرد واجب کرده و کار طبیعی ما بین زن و شوهر عادلانه تقسیم نموده که تربیت طفل با زن و تهیه لوازم زندگانی با مرد باشد

تحکیم روابط مودت و الفت را مابین زن و شوهر بحدی نمود که سابقه نداشت‌ونا روز قیامت‌هم نخواهد داشت همین مودت راهم ما بین پدر و مادر و اولاد و خویشاندان عملا اجرا نمود و واجب کرد .

قوانین و شرایطی راجع به تشکیل عائله وارد کرده که مواد آن مستلزم نوشتن کتاب بسیار بزرگی است - در اینخصوص کتابی بنام نظام عائله بزبان فارسی نوشتم و در مشهد چاپ شد و بهاری توقیف نمود ولی انشاالله در منشور نور درج بعدا مستقل بطبع خواهد رسید

ترتیب معاشرت مابین افراد جامعه های بشر

شریعت اسلام ازوضع قوانین برای تشکیل عائلهٔ منتقل شده وبوضع قوانین عادله ، بین افراد بشر پرداخته نخست بهمسایگان و چارنگاه کرده وبرای طریق معاشرت باآنها قوانین عادله وضع کرده واز همسایگان باهل یکشهر وازاهل یك شهر بیك مملکت وهکذا قوانینی برای تمام اهل‌دنیا براصول محبت وضع کرده و قاعده کلی برای‌آن بیان نموده که فرمود احب لنفسك‌ماتحب لغیرك آنچه رابرای دیگران دوست داشتی برای خودت دوست بدار و اصول محبت ومهربانی مابین تمام‌بشر ایجاد کرده که با اجرای‌این اصول محال است ما بین افراد بشر جنگی واقع شود .

اجتماعیات در اسلام

آن برای تحکیم روابط الفت ، بین افراد بشر اجتماعیاتی دراسلام تشکیل‌شده وموسساتی برای‌این‌منظور که‌خالی‌ازهر گونه‌زحمت‌ومشکل‌اقتصادی‌است‌تاسیس گشته‌نماز پنج گانه هرروزبرای اجتماع اهل‌محل - ونماز جمعه درهرهفته برای اجتماع اهل‌هر زمین چهار فرسخی ونماز عیدین سالی دودفعه برای اجتماع نسبتا بزرگتر در خارج شهرها و اجتماع عمومی تمام افراد بشر که متدین بدین اسلام هستند سالی یکمرتبه درمکه تاتمام اهل ممالك مختلفه از یکدیگر آگاه شده وروابط الفت، بین آن ها ایجاد شده‌وبه‌درددل یکدیگر آگاه شده وتعالیم لازمه رابتوسط خودشان بشهرها نقل کنند .

این اجتماعات خالی ازهر زحمت اقتصادی ومالی است ، مساجد از موارد عمومی ایجاد وآباد میگردد تابراحدی تحمیلی نباشد - رفتن‌مکه برای قادر بخرج خود لازم‌است وبه موارد مراکز اقتصادی تحمیل نمیشود ونفع‌متبادل درتمام‌راه مابین افراد بشرحاصل میگردد .

و نیز تشریفات دیگر از قبیل تحصیل سواد و قدرت علمی نمیخواهد زیرا خطبا علوم و احتیاجات را بر منابر و در ملاء عام القاء می کنند و پیر وجوان و زن ومرد از آن بهرمندمیشوند بدون اینکه به تحصیل سواد یا انفاق مال‌احتیاج داشته باشند .

نشر علم و معارف

قرآن کریم برنشر علم‌و معارف چنان اصرار داردکه از اهم احکام اسلامی و جوب تحصیل‌علم‌رابرقادرشمرده شده است و هیچ قانون تعلیم اجباری مانندقانون اسلام نیامده و نخواهد آمد

عملا بتوسط خطبا در اجتماعات اجباراً علم را نشر کرد و قولا در تمام آیات واحادیث بر علم چنان اصرار ورزید که اهل جهل را مرده شمرده و زندگی را فقط به کسانیکه علم دارند منحصر نمود و بواسطه تفکر درمظاهر کون چنانچه گذشت تمام علوم آلی و نظری طبیعی و صنعتی‌رابدون استثناء کفائیا وعینیا باخلاف مواردواجب کرده‌و هیچ شریعتی و قانونی باین اندازه بشر ندیده‌و نخواهد دید.

قوانین معاملات

چون بشر به تبادل کسب و تجارت و سایر معاملات احتیاج دارد و بدون آن زندگی ممکن نیست شریعت مقدس اسلام نظر خاصی به تمام معاملات داشته‌برای هریك قوانین عادله محکمه که فقط بر اصول آن عالم می تواند زیست کند وتجارت ومعاملات‌ادامه‌دهد وضع کرده و در چندین کتاب از کتب فقهی ملخصا ازآیات قران واحادیث‌شریفه‌استنباط‌و تدوین گردید که بدون آن قوانین ادامه تجارت ومعاملات برای جامعه بزرك بشری ممکن نیست

قوانین مخاصمات و منازعات حقوقی

چون معاشرت مابین افراد بشر هرقدر که مهذب هم باشند ممکن‌نیست‌خالی از مخاصمات حقوقی بشود برای حل خصومات در شریعت اسلام اصولی وضع شده که داره عالم و حفظ نظم جامعه بزرك بشری بدون رعایت آن قوانین ممکن‌نیست حاصل شود و قوانین متقنه آن در تمام‌ابواب نقه جریان و سیلان دارد .

قوانین جزائی

همچنانکه فقدان اخلاق موجب منازعات حقوقی میشود مخاصمات جزائی و جرائم بواسطه ضعف ایمان و غلبه شهوات مابین بشر هرقدر که مهذب باشند جود خواهد داشت .

شریعت اسلام برای جلوگیری از وقوع جنایات و جرائم قوانین صارمه و جازمه ای اتخاذ کرده که شدت و هیبت آن قوانین به طبیعت خود از وقوع جرائم و تکرار آنها جلوگیری می کند وبدون رعایت آن قوانین جرائم روز روز زیاد میشود و هرقدر جامعه بشری بزرگتر گردد جرائم زیادتر خواهدشد و بدون اجرای‌قوانین جزائی‌اسلام‌ازوقوع جرم ممکن نیست جلوگری‌شود اجرای‌آن‌قوانین نظم‌صحیح‌وتربیت‌بسیار محکمی‌برای‌اقتصادیات‌دارد که‌بدون‌اجرای آن اقتصادیات‌و امورمالی بشر فلج گشته و مولدانواع‌فساد میشود .

اصول محاکمات حقوقی وجزائی

چون مخاصمات بواسطه محاکم باید قطع و فصل شود بر حسب اصول معین شارع مقدس اصولی برای‌محاکمات‌وضع کرده که‌سه‌امرمهم درآن اصول با کمال‌دقت رعایت گردیده است .

۱- فصل خصومت ۲ - اقتصاد در وقت ۳ - اقتصاد در مال و هر سه اصل مذکور در زمینه‌اجراء حق جاری میگردند با اینکه غرض از قضاوت فصل خصومت نه احقاق حق است احقاق حق نیز بنحوانم‌مراعات گردیده‌است

جامعه بشری، بدون اجراء این اصول که درشریعت اسلام‌مقرر گردیده‌ممکن نیست اداره شود و اصول محاکمات جاریه امروزه دنیابه‌عکس مصلحت‌بشراست‌و ازدیاد خصومت و نزاع و اتلاف‌مال و وقت بدون رعایت احقاق حق بر آن مبتنی‌است .

تهذیب اخلاق

تنها شریعت مقدس اسلام به قوانین جزائی و حقوقی و اصول‌محاکمات‌برای جلوگیری از نزاع و خصومات و حل وفصل آنها مابین افراد بشر اکتفا نکرده بلکه بواسطه اصرار بر تهذیب اخلاق و ترویج ملکات فاضله مابین افراد بشرو قوانین عادله فردی و اجتماعی که‌برای‌معاملات‌و معاشرات وضع کرده‌کاملا ازخصومات جلوگیری نموده بحدیکه جرائم و نزاع بندرت حاصل‌میشود و مسلمان اگراصول اسلامی را رعایت کند وارد خصومت و نزاع نشده و مرتکب جرم نمی گردد

اخلاقیات اسلامی در قرآن کریم،واحادیث شریفه چنان تنظیم شده که‌انسان را جنبه ملکیت میدهد و بکمال میرساند کتبی که در اخلاقیات از صدراسلام تا کنون نگاشته شده دلیل این امر است .

حقوق و حدود افراد وجماعات در اسلام

با اینکه شریعت اسلام قوانین برای معاشرات و معاملات و مناکحات و غیره وضع کرده بآن اکتفا ننموده بلکهٔ برای هر فردی حقو و حدی، معین کرده که نباید از آن تجاوز کند حق پدر بر پسر وابر پدر وزن برشوهروشوهر برزن‌وبرادر نسبت ببرادر و همسایه نسبت به همسایه و هر فرد از افراد مملکت بریکدیگر و مملکت برافرادآن وحق‌و حد هر جماعت بیك‌دیگر و بالنتیجه حق خدا بر تمام‌بشر آنها را در حدود معین وضع کرده که اگر از آن حدود تجاوز نشود صلح‌عمومی چنان بین افراد بشر مستحکم میگردد که برادری حقیقی مابین آنان ایجاد میشود

جنك در اسلام

با این قوانین متقنه و نظامات محکمه چون بشر محکوم حرص و آز و شهوت و طمع و استثمار استیثار طبیعی است نفوس جبهٔه برای اجرای حرص وآز و شهوت و غصب حقوق دیگران از جنك احتراز نمی نمایند شریعت اسلام برای اینکه نقصی نداشته و کمال مطلق در او باشد هجوم ارباب شهوات و مفسدین که اخلاق و قوانین آنها را تهذیب نمی نماید نیز در نظر گرفته و برای آن قوانین عادله وضع‌کرده که جنك دراسلام فقط جنك فضیلت و عاری از انواع رذیلت شده است .

در دو مورد فقط جنك در اسلام جایز است یکی مورد هجوم مفسدین برای دفاع از افساد آنها تازمانیکه دفع شوند و دیگری برای نشر فضیلت و اخلاق و تعالیم عادله الهی و عدالت عمومی در صورتیکه کسی از نشر آن فضائل باسلاح جلوگیری کند و ممکن نباشد که اورا بجز جنك با چیزدیگری متقاعد کرد در این دو مورد نیز شریعت اسلام بحداکمل مراعات‌فضیلت‌رانموده‌وبه‌تقوی وپرهیزکاری‌در حال‌جنك و بعد ازجنك اکیداًامر کرده است .

قتل اطفال و زنان و پیران را ولو اینکه‌تعدی کنند کلیتاحرام کرده‌است .

قطع اشجار و خرابی دیار و جنك با آتش و زهرو قطع آب وخوراك‌را کلیتامنع فرموده همینکه خصم سلاح را زمین گذاشت جنك راباو را حرام کرده‌برای اسرای اطفال و زنان مالیه‌ای قرار داده که اسیر جنبه مملوکیت و مالی پیدا کرده و باین واسطه اطفال و زنان را طبعا محفوظ نموده زیرا هر کسی زنی یا طفلی را بکشد از مالیه او کسر میشود

در عین مملوکیت چنان‌برعایت حرمت و حقوق و محافظت‌برمملوك سفارش کرده که زنان اسیر بلافاصله ملکه های بلاد اسلامی و مادر های بزرگترین ائمه و پادشاهان اسلام شدند مانند زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین‌وموسی‌بن جعفر و ائمه دیگر و قاسم بن محمد بن‌ابوبکر و مامون عباسی و عبدالحمید اول سلطان آل عثمان و غیره .

بالجمله جنك در اسلام فضیلت محض و شرف انسانی است روی حرص وآز و طمع جاری نشده بلکه برای نشر تعالیم عالیه و فضائل اخلاقی و جلوگیری‌از فساد عمومی است .

حفظ الصحه وطب در اسلام

شریعت اسلام نظر خاصی بابدان انسان و حیوان داشته وتربیت‌به‌روحی و اخلاقی اکتفانکرده و مقرر داشته که بدن انسان قوی و سالم از هر مرض‌باشداصول نظافت و ظرافت و زینت را به قوانین آن‌معین کرده تربیت ماکل و مشرب وملبس و مسکن و خواب و بیداری و قضاء حاجت و استحمام‌را برطبق بهترین اصول‌طبی مقرر داشته .

خوراکهای مضر از قبیل خمر وگوشت خوك و میته و خون و غذاهای آلوده به نجاسات و لباسهای مضر از قبیل‌حریر و لباسهای بلند و ظرفهای مضر از قبیل ظروف طلا و نقره و امثال آنهارا کلیتا بطرق تشدید

غدقا وتحریم نموده ریاضات‌و ورزش و استنشاق هوای صاف بعد از نصف شب تاطلوع آفتاب بنحو عبادت در نمازو سحر خیزی و غیر ذلك واجب یامستحب قرار داده روزه که برای دفع امراض مختلفه بهترین علاج می باشد و برای ورزش معده و سلوها و تبخرات سلولهای نیم مرده وغیر ذلك‌بهترین علاجی است مقداری آن را واجب و مقدار آن را مستحب کرده است

بعد از هزار سال اطبایی بردند که بهترین علاج برای امراض روزه است‌و در این باب کتابها نوشتند اغسال واجبه و مستحبه و وضوء پنجگانه طور وجوب و استحباب‌ودقت‌در نظافت آبها و مساکن وکوچه ها و معابر وامثال آن که درشرع وارد شده نظیری در تعالیم بهداشتی و حفظ‌الصحه این عصر ندارد

اگر بقوانین حفظ الصحه اسلامی کسی مقید باشدقطعا مریض نمی گردد پس دین اسلام دافع امراض است و این از طب مهمتر است زیرا طب رفع مرض را بعد از ورود دارد و هر مرضی قابل رفع نیست .

با اینکه شریعت اسلام رفع تمام امراض را نموده و مجالی را نگذاشت که مرض بر کسیکه متدین بدین اسلام است وارد شود اموری مقرر کرده که جنبه رفع و دفع هر دورا دارد از قبیل سواك و سرمه و خضاب و زینت و کوتاه کردن ریش وسبیل و ناخن و شستن موی سروتزئین آن و استعمال واجبی در هر هفته و غیر ذلك باین نیز اکتفا ننموده و نسخه های طبی بسیار موثر از حضرت رسول و ائمه اطهار وارد شده و رساله الذهبیه حضرت رضا بر بعض نسخ آن اشتمال دارد که تجربه برای ما حاصل شده که معالجه بر طبق آن از تمام دواها و علاجها موثر و مفید تر است .

ابن ماهوربعلی بن الحسین بغدادی گفت که پیغمبرشما و کتاب شما تمام طب را بردو کلمه جمع کرده کتاب شما گفت کلوا و اشربو ولاتسرفوا پرخوری مولدانواع امراض است پیغمبر گفت **المعده بیت الداء الحمیه راس کل دواء واعط بدنا ما عودته**

یعنی معده خانه درد است و پرهیز سرهر دوائی است و بدن را بده‌آنچه راکه باو عادت دادی .

حضرت رسول هنگامیکه مقوقس سه هدیه برای او فرستاد استر و ماریه و طبیب‌استر وماریه را قبول کرد وطبیب را برگردانید وگفت‌به طبیب احتیاج‌نداریم زیرا تاگرسنه نشویم نمی خوریم و سیر نشده از غذادست می‌کشیم تا تشنه نشویم آب نمی خوریم و امثال‌اینها .

نظم اداری در اسلام

در خصوص اداره مملکت شریعت اسلام اصول و نظاماتی و تجزیه و تقسیماتی‌نموده که‌نظیر آن در هیچ دولتی جاری نشده ونخواهد شد - مگراینکه ممالك روی زمین بر طبق تعالیم اسلام اداره شود که ، کلیه زمین بر چهار فرسخ‌درچهار فرسخ‌تقسیم‌شودوسط این‌قطعه از زمین مرکز اداره و حکومت این قطعه است و بواسطه مرکز کل مملکت این قطعه های مختلفه بهم پیوست و ارتباط پیدا میکنند و اداره آنها منظم به یك شکل و یك حد بطور تساوی می گردد و برای تطبیق قوانین اداری و اجرای ان مجالس مشورت مقرر شده چون قوانین ثابت و محکم و لایتغیراست اختلاف‌زمان در اصل قوانین تاثیر نخواهد داشت - فقط بر حسب اقتضاء زمان و محیط،طرز اجراء و عمل و کیفیت تطبیق مختلف میشود و مجالس مشورت برای آن تشکیل میشود

برهان و دلیل در اسلام

ادیان سابق بر اسلام کلیتا از تفکر و تدبر و استدلال و اقامهٔ برهان منع می‌کند و به خیالات شاعرانه چنانچه در دیانت هندکی و برهمائی و بودائی است و به‌اوهام مشوشه و مضطربه چنانچه دردیانت مجوس ویهود ونصاری می‌باشد اکتفا می‌نماید و استدلال و مطالبهٔ برهان را قدغن و منع می کند و عموما به اصل تخطئه‌عقل و حس ووجدان قائل بوده‌اند .

مثلا اگر بدیانت هندکی و مجوس کسی بگوید وجدان و حس شهادت دارد که کثرت‌غیراروحدت است و واحدمن‌جمیع‌الجهات ممکن نیست متعدد بشود ارباب وروسای آن ادیان می گویند وجدان را تخطه کنید و از عقل دور باشید و به‌سخنان محاریو وهیربد و موبد معتقد باشید واگر به نصارا بگوئید که هر سه تا غیر از یکی ویکی غیراز سه تا وممکن نیست خدای یگانه سه‌تا بشود و پدر و پسر وروح‌القدس باشد بطریق ها و مطران ها فریاد میزنند کورباش وکرماش و حرف کلیسیارا گوش کن .

اول وآخر دینی که‌آمد و این اصول تسلم کور کورانه را باطل نمود دین اسلام است فربادزد درسه جای قرآن - سوره بقره و انبیا و نمل

قل‌هاتوا برهانکم - ترجمه (بیار دلیل) و به‌اهل عالم‌ودیانات ندادرداد - آتونی بکتاب من‌قبل‌هذا اواثاره من‌علم‌ان کنتم صادقین سوره احقاف - ترجمه - کتابی بیاورید یا اثری از علم اگر درست می گوئید .

قرآن کریم بیشتر از صد مورد و صدآیه مطالبهٔ دلیل برهان و دعوت به علم کرده و بمردم راه استدلال نشان داده و فهمانده که هر ادعا از دینی و غیره بدون دلیل نباید قبول بشود . و باین وسیله دین اسلام برتمام ادیان برتری حاصل کرد .

ودرزمانی که‌تمام ادیان بافلسفه و طبیعات وفلکیات وسائرعلوم بنظر سوء نگاه می کردند وآنها را دشمن دین ودین‌را دشمن‌آن هامی‌پنداشتند وعلما رادشمن ادیان می‌دانستند .

دین اسلام تمام علوم را موید و ناصر خود قرارداد ودلیل و برهان یگانه تکیه گاه او شد و علومی که بنظر ادیان کفر بوده قبول کرد و فلسفه و طبیعات و فلکیات وریاضیات و طب وغیره داخل مدارس دین اسلام گردید .

اسلام علوم قدیمه یونانیه وفنیقیه‌راحفظ کرد و به‌اروپا رسانید و سبب‌ترقی وبسط علوم مدنیت عصر حاضر گردید .

از این‌جهت هرقدر که علوم ترقی کند اسلام قوی تر می گردد سلاح قوی اسلام در مقابل خصوم خود علوم و فنون است و سلاح هر قدر که قوی تر شد صاحب آن نیرومندترمی گردد .

بناء علیه تصوراینکه دین اسلام باتجدد منافات دارد تصورغلط و مبنی بر جهل براصول دیانت اسلام است - اگر تجدد موافق مصلحت و علم و دلیل باشد دین اسلام موبدآن است و او موید دین اسلام است واگر برخلاف مصلحت و دلیل و علم و برهان باشد یکی ازمفاخر دین اسلام خواهد بود که باآن‌مخالفت کند ولکن این محض‌فرض است حقیقت امر این است که دین اسلام عین تجدد و تجدد عین دین اسلام است و تجددی که برای بشر نفع دارد ولازم‌است مامور به‌قرآن و شریعت اسلام است .

تصور نشود مراد از تجدد نشر امراض بواسطه پر خوری و بسط امور معیشت و اسراف و خمر سفلیس و سوزاك ها و شانکر و باهای گوناگون و استعمال امتعه لوکسی وغیره امراض را منتشر کرده و ازنقطه نظر اقتصاد بشرراددر مخمصه گذاشته این تجدد عین و حشیت و بربریت و سیر قهقرائی است و به‌غلط ووهم‌آن تجدد نامیده شده‌است .

تجدد در اسلام

قوانین دین اسلام از نقطه نظر علمی و اجتماعی‌بر اصل تجدد کامل‌استوار شده زیرا که‌دین اسلام تابع دلیل و برهان‌و اجتهاد و مصلحت‌است چنانچه گذشت و هر چیزی که‌دلیل و مصلحت آنرا اقتضاکند عین دین اسلام است پس اقصی مراتب تجدد دردین اسلام وجوددارد برای این اصل در دعای سوره بقره فرمود تلك‌امه قدخلت‌لها ما کسبت و لکم‌ما کسبتم و لاتسئلون عما کانوا یعملون ترجمه - ان امتی است که زمان آن گذشته است ، هرنیکوئی که کرده نفع آن برای او عایداست و هربدی که کرده ضرر آن باو متوجه است و هرچه شما می کنید نفع و ضرر آن برای شما است .

شما پرسش نمی‌شوید ازآنچه آنهاکرده‌اند یعنی به گذشته و زمان‌سابق و قهقرا ننگرید و فقط باعمال و آنچه خودنظرداشته باشد چونکه شما مسئول‌عمل و نفع و ضرر خود هستید نه دیگران .

اعلی مراتب تجدد این است که هیچ عالم اجتماعی و طالب‌آزادی وعاشق تجدد راجع به تجدد چنین عباراتی را نتوانست بیاورد در قرآن کریم به تجدد استدلال کرده بر وجوب اتباع قرآن در دوآیه کریمه و حدوث قرآن را یکی‌از مزایای قرآن قرارداده که‌درسوره انبیاء برای‌سرزنش کفار فرمود مایاتیهم من ذکرمن‌ربهم محدث‌الااستمعوه‌وهم‌یلعبون .

ترجمه نمی‌آید برای‌آن‌ها ذکر تازه از پروردگارشان مگر اورا درحال لعب ولاقیدی استماع می کنند ودرسوره شعرا نظیر آن آیه آمدمرادابن‌است که حدوث و تجدد امور موجب تروی و تدبر و تعمق درآنها است نه اینکه بنحو لاقیدی امور محدثه و جدیده تلقی شود از حضرت رسول حدیث مشهور مروی است که‌خدا دین‌اسلام راسرهرصدسال تجدیدمی‌کند البته اصول اسلامی‌قابل تغییر نیستند ولکن چون دین‌اسلام رعایت ادوار وازمان ازاول بعثت تا روز قیامت فرموده وراه دلیل و اجتهاد واستنباط‌نشان داده هرکس که آن قوانین را بر عصر وزمان‌اخود تطبیق کندآن مجدد دین‌خواهد بود .

خلاصه اینکه دین اسلام برقوانین‌عادله فردی واجتماعی و اخلاق‌فاضله و مدنیت صحیحه روی دلیل و برهان و اجتهاد ورعایت مصلحت استوارشده

از تحولات و تبدلات جهان بیم‌وهراس‌ندارد بالعکس‌تطورات و تحولات را استقبال می کند زیرا که می‌داندهرتحول و تطور دلیل‌تازه‌ای است برای‌اینکه بشر محتاج دین اسلام و جامعه هرقدر بزرگتر شود بیشتر بدین اسلام احتیاج خواهد داشت اگر اهل عالم اهل یك‌خانه باشند بدون دین اسلام و تعالیم آن اداره نمی شوند پس اعلای مراتب تجدددردین اسلام است و هر کس‌تصور می کنددین‌اسلام باتجددمنافات دارد جاهل محض‌واز تعالیم اسلامی بی‌بهره است .

بقیه در صفحه ٤

بقیه از صفحه ۱

تاچند قرن قبل از بعثت حضرت رسول جامعه‌های بشری قوت پیدا کرد و وسعت آنها بیشتر شد وافکار و آراء بنی نوع انسان متوجه عوالم دیگر گردید آراء فلسفی و فلکی وریاضی سحر و جادو کشف مغیبات و مغیبات معشوق فکر بشر گشت .

جسته جسته نظریات علمی وحقوقی درپونان ورومن و مصر و بابل ایران و وهند وغیراینها پیدا شد

نبوات سابق برای اداره این جمعیت‌ها کافی نبود غذای اجتماعی که برای سن طفولیت اجتماع بود مناسب سن نزدیك به‌جوانی نشد اهل‌عالم از آن نبوات و شرایع استفاده نمی توانستند بنمایند .

می‌خواستند بافکار خودشان غذائی تهیه کنند که مناسب سن اجتماع درآن زمان باشد چون فکر بشر ممکن نیست که بمصالح اجتماعی بالاخص احاطه پیدا کند وازمفاسد کاملا جلوگیری بنماید جامعه‌های بشری ممکن نبود که ازافکار خودشان استفاده بنمایند وشرایع برای آنها نیامده بود که اینهارا راهنمائی کند از این جهت خبط و خلط و تشویش واضطراب وبی‌نظمی چه‌درامورعقایه چه‌در کردار واعمال برای بشر ایجاد شد وتاریکی تمام اهل عالم‌را فرا گرفته وجهل بربنی‌انسان استیلا یافت وعموما اهل عالم گمراه شدند وعصری ایجاد شد که‌نام آن‌عصر جاهلیت وزمان فترت است

جامعه بشری ازسن‌طفولیت ترقی کرد وبسن تکامل رسید ولاتکلیف و در حال تشویش ماندتذبذبت و اضطراب تمام عالم‌را گرفت اعراب‌بتان راعبادت‌می کردند و آنهارا شریك یا وسیله‌خدا قرار می‌دادند ایرانیان ارباب انواع و آتش نماینده فروغ اعظم وهیربدان وموبدان را عبادت می کردند هندیان‌طبقه‌انجاس‌را که‌بعقیده آن‌ها ازپای‌خدادرآمدند و کاسب وزارع وصنعت گررا تشکیل‌می‌دهند مجبور بودند که‌طبقه پادشاهان و مهدانان که‌علما می باشند وسپاهیان که‌ازدهان‌وبازوی خدا درآمدند عبادت بنمایند وگاورا که‌بشکل خدا می باشد یا اینکه خدا در او حلول کرده عبادت و پرستش بنمایند .

یونانیان ورومیان بارباب انواع و عقول معتقد و آنهارا پرستش مینمودند یهودیان شکل توحید تورات راعوض کرده خدارامجسم و ضعیف ونادان وناتوان قراردادند و نخست‌زاده او خودآنها شدند نصاری قدس مسیح را تغییر داده‌وتوحید اورا مبدل کردند واورا شریك‌خدا وروح القدس قراردادند و باین شرك اصرار ورزیدند و ثلیث را مثالی‌شرك قرار ندادند در چین و جنگلهای اروپا و صحرای وسیع افریقا نظیر این عقایدپست‌تر بودکیفیت و وضعیت علمی و عقلائی اهل عالم اجمالا این بود .

امانظامات و قوانین وشرایع در اعمال آنهم نقصی داشتند که مناسب نقص درعقیده می‌باشد بلادی که هیچ قانون نداشت مانند جزیرةالعرب و صحرای افریقا و صحاری وسیع آسیا شب وروز بغارت وخونریزی‌وچپاول و هتك‌حرمات و حدود و اعراض ونوامیس مشغول بودند قوانین برای معاشرات ومناکحات و معاملات وغیره نداشتند هرچه‌درفکر آن‌ها می‌آمد و شهوت وطمع و خیال آن را ترجیح می‌داد بدون پروا و شفقت و رحمت اجرا می کردند خوراك و پوشاك و مسکن داشتند واگر می‌داشتند هرچه‌روی‌زمین‌میروئید و می خزید بود و در خیمه هائی که ازمو و پشم ساخته می‌شد می‌زیستند .

بلادی که اندکی از نظم داشتند و توانستند جامعه و دولی تشکیل دهند قوانین داشتند که بی‌نظمی وحوش و بربر صحاری افریقا و کم شدگان صحرای جزیرة العرب بمراتب ازآن قوانین بهتر بود .

رومان ها به‌حدی در اختصاصیات افراط داشتند که طبقه دون را از هر حق محروم کردند زنان را جزء اثاث‌البیت و متاع قرار می دادند هر ذیقدرت و سلطه فاعل‌مایشاء بود دهقانان خدایان مصر و فراعنه و تعدیات آنان گرچه‌سپری شده بود لیکن روحیات مصری و بهمات اختلال آشنا بود و اعمال مقوقس که اسما نصرانی بود خیلی کمتر از عمل فرعون نبوده .

در ایران ظلم و تعدیات کسروی‌ها و اختلافی که‌در این مملکت وجود داشت بحدی بود که‌انوشیروان کرك خون‌خوار زمین ایران را از نیشابور تا ارض روم به‌خون ایرانیان رنگین کرد احدی جرات بردن اسم او به‌ظلم‌نداشت و کسی‌قدرت نداشت که اسم اورا بدون ضمیمه لفظه عادل ببرد تا اینکه مردمان جاهل گول‌خوردند واوراعادل نداشتند

حتی اینکه اخیرا حدیثی از زبان پیغمبر جعل کردند که فرمود (ولدت فی زمن‌الملك‌العادل)

و حال اینکه کمترکسی بخون خواری انوشیروان در دنیا آمده است و حاشا پیغمبر خدا که به‌کافرخونخوار مشرك ستمکار افتخار بنماید ایرانیان زنان را خوار وذلیل و خرید و فروش می کردند و بطورهدیه بیکدیگر می فرستادند محارم راوطی می‌کردند ویکی از مکارم سرادیان مجوس این بود که دختر و خواهر و مادر را بازدواج می گرفتند طبقه زارع و کاسب در مقابل هیربدان و سپاهیان چنان ذلیل بودند که‌مملوك وعبد ذلیل هم اینقدر نسبت بمالك خود نیست سك و آلاغ لاشخوردرحکم و ندید اد چنان حرمت داشت که هرچه ضرر برساند احدی حق ممانعت ازانهانداشت تمام روی زمین قبل از بعثت یعنی درزمان جاهلیت و عصر فترت براین قرار و منوال بود و همه اهل عالم ازاوضاع آشفته آن‌زمان درحیرت‌وسرگردانی بودند و فتنه های گوناگون مانند فتنه مزدك در تمام بقاع روی زمین برای اختلال اوضاع رخ می داد و همه تشنه قانون جامع و منظم که بتواند عالم را اداره کند بودند این مقدمهٔ و تهیه بود از طرف ذات پروردگار برای اینکه اهل عالم قبول این قانون محکم‌را بنمایندچنانچه درایران شد

بعثت حضرت رسول

عالم باینحال بود و همه مردمان تشنه اصلاح آن بودند ارباب انواع عموما انتظار ظهور مصلح اعظم بانظام اتم‌راداشتند زیرا پدابداز پدران تا رسد به‌پیغمبران‌خودشان‌بآن هارسیده‌بود که‌عالم بان آشفتگی که‌رسید سید سروران و خاتم پیغمبران ظاهر خواهد گشت وعالم را اصلاح و قصور جاره را واژگون و بیدقهای اکاسره و قیاصره و فراعنه را سرنگون و برتمام اهل عالم با عدل الهی و شریعت و قانون ربانی مسلط خواهد شد .

یهودیان و نصاری بیشتر از سایرملل انتظار ظهور این نور انور و سید سرور را داشتند زیرا که در بیشتراز سی باب از ابواب اسفار تورات و انجیل نعت و صفت این‌سرور را می‌خواندند همه کی انتظار داشتند و بزبان حال فریاد می زدند منتظران را بلب آمد نفس ای از تو فریاد فریادرس

اما این شخص که‌هست وکه خواهدبود وکی ظهور خواهد کرد ؟

بیشتراهل‌ملل متوجه بطحاوام‌القری و یثرب که بوجود آن سرور طیبه‌شد بودند تا اینکه فتنه حبشان درعام‌الفیل حادث گردید مولودی درآن سال درمکه مکرمه متولد شد این مولود بابرکت آثار عجیبه و امور غریبه و کرامات بی سابقه برای‌او ازاول تولد ظاهر شد ورفته رفته کرامات او بیشتر می شد تااینکه یهودیان که انتظار اورا داشتند عقیده پیدا کردند که این مولود همان مولودظاهر کننده ناموس الهی و ضرب کننده زمین و عصای زبان خود که در سفر خروج تورات چنین نعت برای او وارد شده هست همان کسی است که خدا بابراهیم بشارت داد که اوودوارده سرور دیگر از نسل اسمعیل متولدخواهد شد آن‌مولود همان مولودیست که اشعیا وارمیا ودانیال وداود و سلیمان و حبقوق بشارت آن را قبل از تولد دادند .

این‌مولود همان کسی است که‌یوحنا ازبان‌مسیح‌درانجیل خود ودرمکاشفات مکرر نام آن‌را برد و متابعت ازاو عموم نصارا را امر کرد این همان پرکلیتوس بزبان یونانی که در انجیل وارد شده ودر ترجمه عربی انجیل فار قلیط اسم دارد یعنی احمد صلی‌الله‌علیه واله وسلم است .

احبار یهود این‌عقیده‌را پیدا کردند و ازروز تولد او درمکه ودرایام رضاعت ودر تجارت شام ازروی حسددرصدد قتل اوبودند وخدا اورا از شریهود حفظ کرد .

لیکن سرجیوس نصرانی صاحب صومعه بصری (بحیر الراهب) بعد از مشاهده جمال نور نبوت‌درآن حضرت تردید نداشت که مبشر به تورات و انجیل همانست که‌درتجارت قریش روبشام می‌رود وابر برسر او سایه می‌افکند اعمام‌اورا بمحافظت او از کسر یهود توصیه نمود، و قبل از بعثت باو برحسب وصف تورات و انجیل ایمان‌آورد .

حال براین منوال بود تا اینکه مولود عام‌الفیل که نام او بین قریش بمحمد امین مشهور گشت به‌چهل سالگی رسید روزی در کوه حرا در حال عزلت در اندیشه ودر فکر بود که آیا این اوضاع آشفته‌عالم نظم می گیرد .

آیا این عقول مختله بشر برشد و صلاح می‌آید .

آیا این‌انسان ناقص تکمیل می‌شود . آیا فرمان الهی روی زمین مجری‌می گردد .

آیا ظلم و ستم برطرف می‌شود .

آیا عدل و نظم جای پریشانی‌را می گیرد .

در اینگونه تفکرات بود ناگاه ناموس الهی بروی ظاهر گشت و صدای دلربای (اقراءباسم‌ربك‌الذی خلق‌الانسان‌من علق اقراء و ربك‌الاکرم‌الذی علم بالقلم علم‌الانسان مالم یعلم) .

دل اورا ربوده و از عالم و اهل او غائب گشت و محو حب الهی و ناموس ربانی گشت هنوز بحال نیامد که آن صدا بصدای موثر تری ملحق شد و تعالیم اولیه الهی برای‌اصلاح عالم عقل و هوش اورا مستغرق کرد آیات الهی را شنید و سابقه بان نداشت اصلاح عالم که درفکرآن مستغرق بود بکوش میار کش رسید و اورا ازاین عالم بواسطه فرط حب و فرح جدا کرد .

متوجه شد که این صدا صدائی نیست که با خوابیدن سازش داشته باشد واین هیبت هیبت الهی است با دثار و شعار و بالاپوش سر پوش جلو آن گرفته نمی‌شود وقت‌وقت برخواستن و قیام است نه خوابیدن زمان زمان تکبیر و تهلیل است نه زمان ارزش و لغزش ساعت انذار و اعذار فرا رسید پاکیزگی‌و نظم‌معاش لازم است هرپلیدی را باید دور کرد وهرطهارت و نظافت را باید رواج‌دادانفاق بدون حد برای ترویج اوامر الهی باید کرد صبر و ثبات برد باری و شکیبائی هر سختی را آسان می کند وهرصعوبتی راتذلیل می‌نماید مشقات و گرفتاری های دنیا برای کسی که تفکر و تدبر در عالم ما

بعد این دنیا بماند عاری ازهرگونه اهمیت است این‌معانی و بالاتر ازاینها باصدای غیبی و ندای آسمانی که برتمام حواس او استیلا یافت شنید چه‌شنید این آیات کریمه (یاایهاالمدثر قم فانذروربك فکبروثیابك‌فطهر فالرجز فاهجر فلاتمنن تستکثر ولربك فاصبر فاذا نقرفی الناقور فذلك یومئذ یوم عسیر علی الکافرین غیر یسیر

اوامر اول بعثت

چون بی‌سوادی بزرگترین نقص انسان است اهل عالم مخصوصا اهل‌جزیره العرب عموما بی‌سوادبودند اول امری که به‌حضرت رسول شد (اقرا) یعنی‌بخوان حضرت رسول هم سابقه خط خواندن ونوشتن‌نداشتندفرمودمانابقاراءمن خواننده نیستم چون باسم‌ربك‌شنید دانست

که بنام خدا هر معدومی موجود می شود و هر سخت آسان می گردد و ناخوانده خوانا می‌شود خدائی که انسان رااز گرم‌اسپرمانوزائیدی خلق کرده قادر است که‌قدرت خواندن و نوشتن بدهد بکسی که‌سابقه آن را نداشته باز تاکید کرد و فرمود بخوان و بدانکه خدای توآن کریمی است که علم بانسان داده و بواسطه قلم آنچه‌راانسان علم آنرانداشت آموخت دراین‌آیات هم توحید الهی را نشان داد وهم به‌تحصیل سواد و علم تاکید کرد پس‌از بیان مرتبه بزرك علم و توحید و تهذیب عقل فکر امر بقیام کرد برای انذار و تبلیغ دیگران و فهمانید که‌انسان همیشه باید در حرکت و کار باشد نه تنبلی و خمیدن و بهمان حال باید خدای‌را بزرك بداند و تکبیر کند سپس به تطهیرثیاب و پاکیزگی لباس امر کرد حکم نمود که‌هرپلیدی‌را بایددور کنند ودرانفاق اموال کثیره درراه اصلاح برکسی‌منت نگذارند وصبر و ثبات درکار برای خدا باید کرد تفکر درنشاه اخری و عالم ماورای این عالم بایدنمود که گرفتاری های‌دنیانسبت بگرفتاری‌های آخرت ناچیز و لاشی است و باید برای برطرف کردن گرفتاری های آخرت در این‌دنیا کوشش نمود (بره بهشت فردانتوان شدن به‌محشرمگر ازدیار دنیا که سردوراه داری .)

یکنفر در مقابل تمام اهل عالم صعوبات راچگونه‌تذلیل‌وآسان نمود

امرخدا به بنده خود رسید که توسید ولدادم هستی‌این عالم را ازظلمات بنور خارج کن اهل عالم همه در ظلمات جاهلیت بودند و عموما مخالف این امر بودند یکنفر درمقابل تمام اهل عالم چه خواهد کرد آن‌یکنفر بنده حقیقی الهی‌بود و باناقی امر ازمولای خود باهل عالم سهل است به‌جن وشیاطین بملائکه مقربین و کروبیین و جمیع مخلوقین نظر ندارد وغیر از مولای خود و اطاعت امر او اندیشه درقلب او خطور نمی کندقیام کرد وانذار نمود و باقلب مملو ازایمان یقین داشت که برتمام اهل عالم مسلط خواهدشد اول زن خود و بعد پسر عم جوان‌خود رادعوت سپس خویشاوندان وبعد اهل‌جزیره‌العرب سپس ملوك اهل عالم وبیست و سه سال از بعثت نگذشته آیین‌الهی‌را در جزیره‌العرب منتشر نمود بحدی که‌باندك زمانی‌تمام عالم‌را فرا گرفت وفساد رابرطرف‌نمودو صلاح را برجای آن برقرار کرد

و بر تمام صعوبات ومشقات غلبه نمود اول دعوت محض بود ساحرو کذاب و دیوانه اش خواندند اعتنا ننمود خود و متابعین‌اورا آزار وشکنجه نمودندهمیت تداد سنگسارش کردند اتباع و اصحابش را بهجرت بسوی حبشه مجبور نمودند پا پیاده بسوی طائف درحالیکه پای اوروی خار ام غیلان مجروح می‌شد و بربیکر او سنك پرتاب میکردند دراین حال‌رفت و برگشت ازرسیدن‌خوراك باومخالفت‌نمودند در شعب‌ابوطالب اورا محصور کردند ازشدت گرسنگی صدای اطفال بنی هاشم و ناله های آنها بمکه میرسید ده نفر از اتباع او بیکدانه خرما به‌بیست‌وچهارساعت اکتفا کردند سنك مجاعه برشکم خود برای منع معده از حرکت بست تهدید بقتل شد به تمام این گرفتاری‌ها وصعوبات وقع نداد نظری بجز اجرای امر الهی‌نداشت همیشه ولربك فاصبر را نصب‌العین خود قرارداده واطمینان داشت که باصبر و ثبات تمام صعوبات را میتوان برطرف کرد

تا اینکه تصمیم قطعی قریش بر قتل اوصادر شد وبرحسب امرالهی بمدینه هجرت کرد .

در مدینه مصائب و گرفتاری‌ها و صعوبات و مشقات شکل دیگری گرفت قریش که بطعنه‌های زبانی و سخریه و تهمت‌ها و تهدید اکتفا میکردند این دفعه تمام اهل‌جزیرة‌العرب و یهود ساکنین مدینه واطراف را باتفاق بر جنك با حضرت رسول دعوت کردند و روم وفرس ساکنین اطراف جزیرة العرب را بر ضد دعوت اسلامی تحریك نمودندو بقشون کشی و تهیه جنگهای بزرك که درجزیرة‌العرب‌سابقه نداشته پرداختند تصمیم بر مقابله وجنك‌وجدال وخراب کردن مدینه وقتل‌عام‌مسلمین‌و استیصال کلیه آنان نمودند درمقابل این حوادث به جای تزلزل واضطراب برثبات قدم و رسوخ عزم حضرت رسول افزود و بانذاز ووعظ و دعوت تشکیل قشون و کشیدن شمشیر و تهیه وسایل‌دفاع وهجوم های متقابل اضافه گردید و نظر به جاهای دورتر از جزیرة لعرب افکند و با ملوك فارس وروم و مصر و حبشه و غیره هم مکاتبه نمود و ملل آنهارا بتوسط‌پادشاهان باسلام دعوت فرمود وبااسقف‌هاومطرانهامباهله کرد وباعلمای یهودمناظره‌ومباحثه‌نمودواجتماعات‌اسلامی را برپاکرد و جمعیت های منظم تشکیل داد و ولات را باطراف فرستاد و فرماندهان برای قشون تعیین نمود و جزیره‌العرب را بشکل منظم ترین دولت‌در آورد و منبر و محراب را تاسیس کرد و تعلم و تعلم عمومی تاسیس کرد و علوم مختلفه را مابین کلیه طبقات تعمیم ونشر کرد و اصول اسلام را باسرع مدت بر محکمترین پایه ها و قویترین اصول محکم ساخت .

اصول محکمه اسلام

دراین‌مقاله‌مختصر نمی خواهم ازکلیه قوانین اسلام بحث کنم زیراکه‌بحث ازآن مستلزم کتابهای مفصل است فقط بمناسبت روزبعثت‌می‌خواهم از اصول کلی دیانت اسلام گفتگو نمایم .

دینی که بر حضرت رسول اکرم محمد بن‌عبدالله‌ص نازل شده باین‌کلمات می توان وصف کرد :

احیاء هرفضیلت ومحوهرزذیلت ، جلب هر مصلحت ودفع هر مفسدت‌تهذیب عقل وتربیت بدن، سعادت‌دنیاوآخرت ، فوز به نعیم ابدی‌عقبی‌نجات ازهلکات دردار اولی وارعقاب وعذاب الهی دردار عقبی ، اجراء هرخیر وتجنب ازهربشرراحت‌کامل ورفع گرفتاری ، نظم معاش ومعاد

هرجمله ای‌از جملات فوق معرف دین اسلام است . . . بعبارت مختصر تری اسلام تسلیم بخدااست .

این‌حدو تعریف‌ازحضرت امیر علیه السلام می‌باشد ، انسان هرگاه از خود سلب اختیار امور کرده وفقط متوجه ذات باری شود وبدون چون وچرا اوامر او رااطاعت کند وهرکاری که‌در دنیا اجرا می‌نماید برای‌خدا جاری سازد ، این انسان مسلمان است .

اگر بخواهیم‌از تعریف مختصر فوق برای اسلام تجاوز کرده وشرط کلی مبسوطتری بنمائیم باید بگوئیم .

اول امر اسلام توجه بذات وصفات الهی وقدرت‌و علم ابدی ازلی‌سرمدی است و برای استدلال بر وجود آن باید در تمام مظاهر کون از فلکیات و طبیعیات و تحلیل و ترکیب اجسام (شیمی) و معدنیات و کوهها و نباتات و حیوانات و هوا و ابر و آب و دریا ها و ستاره ها و طبقات زمین و تشکیلات جوی، و ساختمان بدن انسان وظایف اعضا سلولی و ترکیبی آن (فیزیولوژی) خواص‌عقاقیرواحجار (فیزیولوژی‌نباتی‌ومعدنی) ونظم‌عالم واهل آن‌وموجودات مشکله روی زمین و بالجمله تمام علوم باید تفکر کرد و بالاخص در نفس خود و مینی‌سیر در آفاق و انفس و تفکر در خلق آسمان وزمین و دریا و آب و هوا وتمام موجودات که همه از دوزوج‌نر و ماده یا مثبت‌ومنفی‌خلق شدند ودرآیات‌قرآنی کریمه بآن تصریح کرده همین است .

مقاومت باخرافات

بعد از این که اسلام باین علوم در سایه توحید الهی امر کرده نظر خاصی بخرافات منتشره بین بشر نموده و تمام آن ها را بر طرف کرده است و اکیدا از خرافات بت پرستان که بتان را عبادت می کنند و برای آنها قربانی و نذر و نیاز می نمایند و در امور جاریه آن ها را باخدا شرکت می دهند و از ملوث کردن کعبه بخون قربانی و رها کردن شتران و گوسفندان بنعو سائبه و وحلال کردن برخی و حرام کردن بعضی‌وازقبیل این‌ها . . . . وازخرافات یهودیان که گفتند ما پسران خداهستیم .

پسران خدا با دختران آدمیان در آمیخته و مردمان شرور متولد شدند و تجسد خدا و سواری او برابر وآتش‌وفرودآمدن او از آسمان و کشتی گرفتن او با یعقوب و خلقت آدم بصورت خدا و امثال آنها . . .

و از خرافات نصاری که خدا را از آسمان به شکم زنی نازل کردن و به جنین در شکم او التحام دادن و بچه متولد شده گفتن و او را خسته‌وا مانده و بر خر سوار شده و با دزدان حبس گردیده و بدار آویخته شده و مرده و دفن شده و دو باره زنده گردیده وبآسمان نزد پدر رفته قائل شدن و تقدیس‌خمرونان نمودن و این که این یك‌راخون‌خدا و دیگری را گوشت خدا نامیدن و امثال آن . . . .

و از عقیده خرافات مجوس و فلاسفه که بانواع ارباب و عقول قائل شد وهریك از موجودات خدا و مظهر خدا و کون مجموعش عین خدا و عالم قدیم و اول و آخرندارد و پادشاهان و افراد دیگر بشر و چشمه‌ها و رودها و آتش باید عادت بشود و اهریمن موثر دروجود و غیرذالك

و ازخرافات دیگر که ما بین بشربوده از قبیل اعتقاد به تاثیر کواکب و نجوم در سعد و نحس اشیاء و تاثیر درخت ها و چشمه ها و سنك ها دروجود و عبادت اینها و تفال و تطیر به ساعات ایام و حیوانات و سایر مصادفات و درخواست حوائج از سنك و درخت ومغاوناتی که هیچ اثری ندارند و طلب رزق و شفاء ازآنها و ازهرچیز که برهان و دلیل و عقل‌وصریح آنرا اقتضا نمیکند و درافسانه های قدیمه‌وارد شده و جزء خرافات محسوب‌می گردد

از تمام این ها بشدت و بصراحت لهجه جدا جلوگیری و منع کرده است .

بواسطه دعوت به علم ومقاومت باخرافات دین اسلام طوری تنظیم شده که با ترقی علم سیرمی کند و هرقدر که علوم ترقی می‌نمایدومکتشفات زیادمیشود با آنها مخالفت ندارد بلکه کمال موافقت خواهد داشت و آنها را ترویج و تاکید می‌نماید باین وسیله صلاحیت سازش با تمام علوم تا روزقیامت‌راداشته و دین اسلام باعلم برادر موافق ودوست مؤالف شد

اقتصادیات اسلامی

بعد از تهذیب عقول بواسطهٔ ترویج علم وجلوگیری ازخرافات دین‌اسلام نظر خاص بشئون بشر کرده و اول امری که‌بان اهمیت داد امور مالی و اقتصادی است چونکه هر گاه امور مالی و اقتصادی منظم شد سایر امور زندگانی منظم می گردد . وهرگاه مختل‌شد تمام‌امور معاش مختل می شود لذا در قرآن بیشتر از تمام احکام احکام مالی واقتصادی ذکر شده و متجاوز از صدآیه درآن وارد گردیده بطوری امور مالی و اقتصادی در اسلام تنظیم شد که بشر تا روز قیامت بآن‌احتیاج دارد و ممکن نیست عالم اداره شود مگراینکه اصول مالی و اقتصادی اسلام را تطبیق بنماید و بدون‌آن اوضاع بشر مختل و جنك و جدال دائمی خواهد شدوصلح و سلم عمومی میان بشر یکی از مستحیلات می‌شود .

در اصول مالی واقتصادی خلاصه‌احکام‌دین‌اسلام‌این‌است که‌مالکیت به‌نحواتم شدیدا باید محفوظ بشود و در عین حفظ مالکیت فقراء باید دراموال اغنیاء به‌نحو اجبار شرکت داشته باشند و از تمرکز ثروت بواسطه تشریك فقراء دراموال‌اغنیاء و بواسطه ارث و تقسیم غنائم و قسمت بیت‌المال و اوقاف و صدقات و نذر و میرات جدا جلوگیری شود .

و تحصیل معیشت را فقط از راه کارجایز دانست و حکم کرد که مال مال را نمی‌آورد .

بلکه کارمال را می‌آورد و جدا از ربا جلوگیری و آنرا تحریم نمود و سفته بازی را منع و حرام کرد چونکه درعین اینکه کار را شرط تحصیل ثروت قرارداده به بودن مال هم در تحصیل ثروت مدخلیت داد و بیع کالی به کالی را حرام نمود ودر مالیات عمومی و جبایت‌اموال بیت‌المال بمالك اختیار کامل داده و یك قسم از مالیات عمومی بر درآمد قرارداد و قسم دیگر در اراضی بنحوی که نسبت برای همیشه تا انقراض عالم محفوظ باشد ودراغلب‌اراضی سلب‌مالکیت‌نمودن و مقرر داشت هرارضی که‌صاحب آن‌ازعمران وآبادانی آن‌عجزداشته‌وقصور یاتقصیل ورزد آن اراضی ازاو سلب و بواسطهٔ حکومت بدیگری با شرایط معینه داده می‌شود و هر اراضی که موات باشد هر که سبقت باحیاء و آبادانی آن بنماید بآن اراضی اولی را حق میشود و مانند مالك موجود احدی حق مزاحمت با اورا ندارد و از تبذیرواسراف جدا جلوگیری کرده و مبذرین را برادران شیطان قرار داده و اسراف را بزرگترین جرم و گناه محسوب کرده است .

بعض کلیات احکام اقتصادی و مالی اسلامی این است و بین هریك از این کلیات فروع و صدها مواد قانونی در شرع وارد شده است که تفصیل و بسط‌آن ها محتاج نوشتن کتاب بزرگی است .

هر کس که باین قوانین نظر کند و باوضاع عصر حاضرو آتیه دنیا بنگرد یقین پیدا می کند که‌خداوند متعال بعلم خود احاطه‌دارد ووضع فعلی دنیا وآتیه‌آن و اینکه جامعه بزرگ بشری بواسطه اکتشافات کنونی شامل تمام عالم خواهد شد دچار مشکلات بزرگ اقتصادی می‌شود وافکار بشراز حل آن مشکلات عاجزخواهد بود ، برخی باصول امپریالیستی و بعضی باصول سوسیالیستی و کمونیستی خواهند

بقیه در صفحه ۳

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایار گروه مؤمنین است و انهارا از ظلمات بنور خارج میکند وگروه کافران یاران انها (دیوان سرکش) انهارا از نور بظلمات خارج میکند

منشور دینی ناشر حقایق اسلام و مثبت اینکه اداره عالم جز با اجرای تعالیم آن ممکن نیست

شنبه ۱۶ تیر ماه ۱۳۲٤ شمسی مطابق ۲٦ رجب المرجب ۱۳٦٤ قمری (شماره اختصاصی ۱۱) تکشماره اختصاصی ۲ ریال وصد شماره آن ۲۰۰ ریال

محمد رسول الله

والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطئه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار وعدالله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و اجرا عظیما

محمد

سید المرسلین و خاتم النبیین و شفیع المذنبین و امام المتقین وحبیب اله العالمین صلی الله علیه وآله وسلم •

فردا بیست وهفتم رجب الاصب و بزرگترین روزها ام سال است

حسین بن راشد از صادق آل محمد علیهم السلام پرسید که ایـاغیر عیدهای مشهور عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فضلتر از همه روزیست که حضرت رسول برسالت مبعوث گردیده است و آن روز بیست و هفتم ماه رجب است وشب امروز بهترین شب هاست از امام محمد تقی منقول است در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب برآن می تابد و آنشب بیست و هفتم این ماه است ودر صبح آنشب حضرت رسول برسالت مبعوث شد

از اول خلقت دنیا تا روز قیامت نظیر این روز روزی نیست و از خلقت تا انقراض عالم حادثه اتفاق نیفتاده که مانند حادثه امروز باشد

عالم جسم بی جان بود امروز روح در اودمید نور نداشت و ظلمت محض بود در امروز نورالهی براو تابید و اورا منور ساخت جهل محض بودو در امروز بزینت علم مزین گشت تشویش و اضطراب در اوحکم فرما بود در امروز بقوانین و شرایع منقبه منظم گردید ظلم و ستم شیوه اهل عالم بود امروز عدالت فـردی و اجتماعی نصیب اهل عالم شد

تفاضل طبقاتی و تقسیم عابد ومعبود بین بشر بود امروز مساوات کامل مابین افراد بشر حاصل شد اصل معین اقتصادی و مالی در جامعه های بشری نبود امروز محکمترین اصول اقتصادی و مالی برای بشر آمد نظم درامور معاش و آگاهی از امور معاد برای بشر نبود

امروز به بهترین طرز نظم در امور معاش آشنا شدند واز احوال معاد آگاهی حاصل نمودند و بالاتر ازهمه رابطه مابین خالق و مخلوق وشناسائی رازق برای مرزوق و شکر منعم حقیقی از طرف منعم علیه نبود امروز این رابطه و شناسائی و شکر منعم که بزرگترین نعم الهی در بشر می باشد برای اهل عالم حاصل گردید

بالجمله انسان از انسانیت بهره ی نداشت امروز انسان کامل شد اگر عمدا برخلاف دستور انسانیت عمل نکند •

جامعه های کوچك و جامعه بزرك بشری

قبل از حادثه بزرك امروز یعنی قبل از بعثت حضرت رسول اکرم محمد بن عبدالله اهل عالم جامعه های کوچك تشکیل میدادند که بیکدیگر ارتباط سر می نداشتند مثلا فرقی ها از مغول بیخبر و بابلیها از چینی ها بی اطلاع و آشوری ها با مصریان آشنائی نداشتند وقس علیذلك •

اگر حادثه ای در چین رخ میداد زمانی که بایران میرسید در چین چیزو تاریخ شده بود زیرا چندین سال لازم بودتا خبر آن بایران برسد علیهذا هر حادثه ای که در چین اتفاق می افتاد در ایران تاثیر نداشت •

و هکذا تمام عالم بشریت

برای نظم چنین جامعه های کوچك قانون و شریعت مناسب کوچکی لازم بود و قانونی که برای جامعه های بزرك لازم است برای جامعه های کوچك مفید نیست سهل است مضر خواهد بود چنانچه قانونی که برای جامعه های کوچك لازم است برای جامعه بزرك فایده ندارد مثلا حضرت موسی برای بنی اسرائیل مبعوث بود بر حسب حکم باب هیجدهم و سیم و ابواب دیگر سفر الثنی تورات و اسفار دیگر برای زن حائض و زن نفسی حکم میکند که که دو قربانی سوختنی و فدا در خیمه اجتماع در مذبح خداوند در حضور تمام بنی اسرائیل بدست کهن بدهد که قربانی کند و اگر چنین نکرد خود و نسل خود تا ابد نجس خواهد بود و هر نسلی که از او متولد میشود حرامزاده است تا روز قیامت باغمض عین از اینکه این حکم عاری از مصلحت است

زیرا که قربانی مدخلیت در تطهیر ندارد این حکم در این زمان که بنی اسرائیل در تمام غارات روی زمین پراکنده هستند قابل اجرا نیست و معلوم است که فقط برای بنی اسرائیل آمده است که جامعه کوچکی در بیت المقدس تشکیل میدادند و برای زنهای دیگر و جامعه های دیگر نیامده است و بدرد جامعه بزرك نمیخورد و تطبیق آن برجامعه بزرك بشری محال و ممتنع است

اهل عالم باین حال زیست میکردند تا اینکه به تقدیر الهی دوره انقراض جامعه نزدیك گردید و اهل عالم مستعد تشکیل جامعه های بسیار بزرك که درنتیجه آن همه اهل عالم یك جامعه خواهند شد گردید آنوقت حکم الهی در تشریع شرایع و تقنین قوانین مناسب تقدیر تشکیل جامعه های بزرك و موافق با اینکه اهل عالم یك جامعه شوند شد و قوانین و شرایع جامعه های کوچك یعنی احکام تمام پیغمبران ما قبل نسخ گردید و برای ابلاغ شریعت و قانونی که بتواند عالمی را که تشکیل یك جامعه مساید اداره کند پیغمبر آخرالزمان خاتم النبیین محمد ص

در چنین روز مبعوث گردید و شریعتی بروی نازل شد که عالم را هر قدر تطور و تبدل پیدا کند میتواند باحسن وجه و اکمل نظام اداره نماید و خداوند متعال چنانچه بلطف خود رزق را قبل از مرزوق ایجاد می کند و شیر را در پستان مادر قبل از تولد طفل خلق مینماید شریعتی که برای اداره جامعه بزرك بشری لازم است قبل از تکون آن جامعه تشریع و بر پیغمبر خاتم نازل کرد

نشو و اعمار موجودات

تقدیر الهی چنین حکم کرده که هر موجودی عمر معین داشته باشد و سن مختلف در ایام عمر پیدا می کند و همه روی این اصل که در مبداء ضعیف و در اواسط عمر قوی و در آخر عمر ضعف میکردند و مرك در میرسد خلق شده اند انسان طفل ضعیف متولد میشود در اواسط عمر جوان و قوی و کهل میگردد در آخر عمر پیر و ناتوان میشود ومرك روی را فرا میگیرد واین حکم بر نبات و سایر موالید نیز جاریست سن طفولیت باضعف و جوانی باقوت و پیری باضعف و مرك دارند خداوند متعال در سوره روم میفرماید

(الله الذی خلقکم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوه ثم من بعد قوة ضعفا و شیبه یخلق ما یشاء و هوالعلیم القدیر) ترجمه خدا آنکسی است که از ضعف شمارا خلق کرده نطفه و جنین و طفل سپس بعد از ضعف قوت را ایجاد کرده «جوانی» سپس بعد از قوه ضعف و پیری را ایجاد کرده آنچه را که میخواهد برحسب تدبیر و تقدیر خلق می کند که او دانا و تواناست •

کوه هاهم از این حکم مستثنی نیستند سن طفولیت وجوانی و پیری و مرك دارند علمای معرفه الارض کوه های جوان و پیر را تعیین کرده وتشخیص میدهند •

علمای فلك میگویند که عوالم مختلف ودنیاها مشمول این قاعده هستند ستاره ها که عوالم و دنیاهای متعددی شمارند در تحت این قاعده میباشند سن طفولیت و مبدء تکون وجوانی و پیری دارند و بسیاری از آنها مردند علمای فلك مضی دنیاهای مرده را می شمارند و ستاره های جدید الولاده که فیلا نبوده اند و متولد شدند احصامی کنند •

دول و جامعه ها نیز داخل این قاعده می باشند ابن خلدون در مقدمه خود میگوید دول اعماری دارند سن طفولیت و جوانی و پیری و بالاخره مرك نصیب آنهاست مانند افراد انسان بلا فرق علمای اجتماع نظریه ابن خلدون را تا امروز تائید و تصویب مینمایند

علمای شرایع و نبوات برای پیدایش وحی و شریعت طبق این قاعده تحقیقاتی نموده اند بنابر این قاعده زمین و بشر که درسن طفولیت بودند شریعت و پیغمبری مناسب آن سن لازم داشتند و برحسب نمو و ترقی سن شریعت و پیغمبری ترقی و قوت میگیرد تاسن جوانی زمین و جامعه ها در آنوقت شریعت قوی و جوان برای آن لازم است و سن جوانی میتواند بسن پیری آشنا و از مسائل آن آگاه گردد پس در سن جوانی میتوان قانونی وارد کرد که تا آخر عمر مفید باشد اما درسن طفولیت ممکن نیست که به حال جوانی و پیری احاطه بشود

از آنجائیکه شریعت محض لطف الهی است و نسبت به بشر و جامعه ها شبیه غذا نسبت بافراد است و هرسنی غذائی مناسب آن لازم است که همان غذادرسن دیگر مضر افراداست شرایعی که برای سن طفولیت جامعه بشری لازم است برای سن جوانی جامعه مفید نیست بلکه مضر است و معنای نسخ شرایع همین است

جامعه های بشر در سن طفولیت به ضعف وسستی بوده شرایع مناسب آن سن از جانب خداوند متعال برای آنها مقدر شد تا ان که جامعه بشر بسن جوانی رسید و مستعد قبول بزرگترین غذای اجتماعی گردید آنوقت خدای لطیف و قادر علیم خدای دانا و توانا و مهربان شریعت قوی و کامل برای بشر فرستاده و در امروز که روز بعثت حضرت رسول صلی الله علیه واله است این غذای لطیف ربانی یعنی شریعت کامل سبحانی بواسطه ختم رسل و هادی سبل اشرف انبیاء سید و لدادم برای جامعه جوان بشری آغاز و تا آخر عمر آن سرور تکمیل گردید و در این شریعت غراسن پیری زمین و جامعه ها در نظر گرفته شد وتقنین و تشریع برای آن سن در سن صباوت جامعه ها تشریح و بیان شد چونکه سن صباوت میتواند بسن پیری احاطه نماید چنانچه توضیح داده شد

عالم قبل از بعثت حضرت رسول

شرایع کوچك برای جامعه های کوچك بشری ازاول خلقت زمین مناسبت وضعیت جامعه ها به لطف الهی بواسطه پیغمبران خود آمده بود و هرچه جامعه ها ترقی می کرد آن شرایع تبدیل ونسخ می شد •

بقیه درصفحه ۲

دعوت از دکتر ها ولیسانسیه ها و محصلین حقوق بدون استثناء

من از روی دلیل یقین دارم که دانشکده حقوق درطرز تدریس ووزارت دادگستری در طرز قضاوت موجب بدبختی ایران است و حفظ استقلال و تمام شئون ایران وتابسته به این وزارت و این دانشکده است از علاقمندان بدیانت اسلام و استقلال ایران دعوت میشود که برای مذاکره دراصلاح این دوموسسه از ساعت ۵ تا ۷ بعداز ظهر بدفتر نشریات دینی تشریف بیاورند که باین وظیفه دینی و ملی قیام شود